

لویی فردینان سلین

شمال

ترجمه دکتر محمود سلطانیه

سرشناسه: عنوان و پدیدآور: مشخصات نشر: مشخصات ظاهری: شابک: وضعیت فهرست نویسی: موضوع: رده‌بندی کنگره: ردیف دیوبی: شماره کتابخانه ملی:

سرناسه: شمال / فردینان سلین: ترجمه محمود سلطانیه
تهران: جامی. ۱۳۹۱.
۳۳۶ ص.
978-600-176-058-7
فیبا
داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م.
۱۳۹۱ ش ۸ / PQ۲۶۲۳
۸۴۳.۹۱۲
۲۷۵۲۹۴۲



خیابان دانشگاه، چهارراه و جیحون نظری. شماره ۵۲

تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.com

info@jamipub.com

شمال

لویی فردینان سلین

ترجمه محمود سلطانیه

چاپ نخست: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۷ - ۵۸ - ۱۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 176 - 058 - 7

۱۴۰۰۰ تومان

پیش‌گفتار مترجم

دیربازی است اسیر سلین شده‌ام... اسیر تیزبینی، نازک‌بینی، ژرف‌نگری و پرخاشگری‌های دهشتبارگاه برزش‌ناپذیر سلین!... اسیر نیروی ویرانگر و همزمان سازنده سلین!... و شناور شدنم در اقیانوس ژرف و بیکران اندیشه‌های توانفرسا و هشداردهنده‌اش و چون توانم بس نبود میانه‌ی راه از پای در افتادم و هنوز سکندری می‌خورم و نسیمی دوم را پس از بازیابی دنبال خواهم کرد.

از پی‌یر فیلیپ و دو دخترم، رعنا و لاله که مرا یاری رساندند سپاسگزارم و شادم‌انم از اینکه همسرم شهرزاد، هم دوران درگیر شدنم با کتاب را بردبارانه پشت سر گذاشت و هم اجازه داد تا یکی از کارهای چاپ سنگی قدیمش را پشت جلد کتاب بنشانم.

و اما سلین ابر اندیشمندی که اگر با همه توان پای به قلمرو پرخاشگری‌های بجایش نگذاری فرو خواهی ریخت!...

«همواره و همه‌جا و هر زمان، چه در صلح و آرامش و چه هنگام جنگ، پریشانی و یا هوسرانی و شکمبارگی که لگام همه چیز از دست می‌رود، باز این عشق است که هرچند

بسیار کمیاب، اما به هر رو به یاری تو می‌آید... پانصد ملیون
سال است که شکمبارگی، همه چیزمان شده و عشق از
شماره‌ی انگشتان فراتر نمی‌رود!...»

سال ۱۸۹۴ در «کوره و آ»ی نزدیک پاریس زاده شد. در نوجوانی و
جوانی برای گذران روزگار کار کرد و سرانجام دیپلم گرفت. ۱۹۱۲ وارد
ارتش شد، دو سال پس از آن و در روند جنگ نخست سخت آسیب دید و
هفتاد و پنج درصد از کار افتاده شد!... پس از فرستاده شدن به کامرون و
لندن درس و دانشگاه را پی گرفت و برای خدمت به آفریقا و پس از آن به
جامعه ملت‌ها که در آمریکا شکل گرفته بود و اکنون به آن سازمان ملل
می‌گویند فرستاده شد و در بازگشت به حومه پاریس رفت و سرگرم کار
پزشکی و همزمان نویسندگی شد. او به هنگام رویدادهای جنگ دوم و
تا سال ۱۹۵۱ در آلمان و سپس دانمارک گرفتار آمد و پس از بازگشت به
فرانسه باز به نویسندگی و همزمان درمان نیازمندان و بی‌چیزان پرداخت تا
اینکه در سال ۱۹۶۱ دست از روزگار شست!

محمود سلطانیه

تابستان ۱۳۹۱